

درس دوم: فلسفه چیست؟ (۲)

بخش ۸

- یادگیری و شناخت نیز نوعی رفتار است که حاصل بازتاب عوامل مؤثر محیطی است.
- برای شخصیت انسان امتیازی جدای از محیطی که در آن پرورش می‌یابد قائل نیست.
- تماز رفتارهای انسان قبل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است.
- قانون حاکم بر رفتار انسان همانند قانون‌های حاکم بر پدیده‌های طبیعت است.
- دیدگاه‌های کنت تأثیر فراوانی در روان‌شناسی جدید به جا نهاد.

تفکر نقدی

آیا نظر آگوست کنت مبنی بر اینکه ارزش شناخت بر حس و تجربه و مشاهده پذیر بودن استوار است، خود برگرفته از حس و تجربه است؟ ← برقراری رابطه علیت و گزاره‌های شرطی میان امور، امری فراتر از حس و تجربه معمول است و مبتنی بر تفکر عقلانی و استدلال است. در واقع کنت معتقد بود که حس و تجربه و مشاهده، علت و شناخت، معلول است؛ اما خود این شناخت و رابطه علیت، یک امر محضوس نیست. به این ترتیب می‌توان از خود نظریات کنت برای رد عقاید تک‌بعدی او استفاده کرد.

تفکر

اگر برای رفتار انسان قانونی همانند قانون‌های حاکم بر پدیده‌های طبیعت در نظر بگیریم، به کدام مکتب روان‌شناسی معتقد شده‌ایم؟ آیا می‌توانید با مشورت دوستان خود چند ویژگی این مکتب را بیان کنید؟ ← روان‌شناسی رفتارگر؛ طبق نظریات این مکتب، انسان ماشینی تلقی می‌شود که مرکب از رفتارهای معینی است. یادگیری و شناخت نیز نوعی رفتار به شمار می‌رود که حاصل بازتاب عوامل مؤثر محیطی است. تمام رفتارهای انسان نیز قابلیت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دارد.

آیا بر اساس نظریه رفتارگر، فعل آدمی را می‌توان مساوی اشیا دانست و همان‌طور که قوانین حاکم بر رفتار اشیا کشف می‌شود، می‌توان قوانین حاکم بر افعال آدمی را کشف کرد؟ ← بله؛ مطابق این نظریه، انسان یک نوع ماشین با رفتارهای معین است و یادگیری و شناخت نیز حاصل بازتاب عوامل مؤثر محیطی است.

روان‌شناسی گشتالت

- در مقابل دیدگاه رفتارگرها نظریه گشتالت پدید آمد که از نظر فلسفی مبتنی بر آرای فیلسوف مشهور قرن هجدهم آلمان، ایمانوئل کانت بود.
- کانت ادراک انسان را نمایش منفعی از تأثیر عوامل و عناصر محیطی نمی‌دانست.
- ادراک مانند یک واحد سازمان یافته است که در آن ذهن به مواد خام ادراکی که از محیط به آن می‌رسد، شکل و سازمان می‌بخشد.
- برخی از فیلسوفان بعد از کانت نیز در تکامل این نظریه کوشیدند و زمینه‌ای فراهم شد تا نظریه گشتالت در عرصه روان‌شناسی متولد شود.

فلسفه و علوم انسانی

- در رشته‌های مختلف علوم انسانی نظریات دانشمندان بسته به اینکه چه تصویری از انسان داشته باشند، با یکدیگر فرق می‌کند.
- عقاید اندیشمندان درباره ماهیت و حقیقت انسان اساس و شالوده نظریات آن‌ها در رشته‌های علوم انسانی است.
- رابطه فلسفه و بعضی از رشته‌های علوم انسانی:

۱- فلسفه و روان‌شناسی

روان‌شناسی

- علمی است که در آن حالات روانی و رفتار آدمی تحقیق و بررسی می‌شود.
 - از قرن هجدهم میلادی با استفاده از روش‌های تجربی و اندازه‌گیری گسترش زیادی پیدا کرد.
 - پیوند‌های فلسفه و روان‌شناسی
- ۱- دیدگاه فیلسوفان درباره ماهیت و حقیقت انسان تحقیقات روان‌شناسی آن‌ها را با تفاوت چشمگیری مواجه می‌کند، یعنی اگر فیلسوفی معتقد باشد که انسان علاوه بر جسم مادی صاحب یک روح غیرمادی نیز هست، روان‌شناسی در مکتب او با روان‌شناسی در مکتب فیلسوف دیگری که معتقد است انسان چیزی غیر از همین جسم مادی نیست، فرق می‌کند.

۲- پیوند دیگر، بحث شناخت است:

- شناخت، یکی از بحث‌های مهم فلسفه است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان می‌آید.
- شناخت یکی از افعال روانی انسان است و همین بحث در روان‌شناسی نیز مطرح است.

تحقیق

به نظر شما آیا فقط در موارد یادشده می‌توان فلسفه را با روان‌شناسی مرتبط دانست؟

- ← خیر؛ موارد و ارتباطات بیشتری نیز قابل ذکر است؛ مواردی مانند علم‌النفس، ارزش حواس، ریشه لذت و

روان‌شناسی رفتارگرا

- آگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم، مکتب فلسفی «تحصیلی» را بنیان نهاد.
- کنت معتقد بود فقط زمانی می‌توان برای شناخت ارزش قائل شد که از طریق حس و تجربه بدست آمده باشد.
- اموری را می‌توان اثبات کرد که مشاهده‌پذیر باشند.
- تفکر عقلانی محض که قادر مشاهده باشد، در شناخت موجودات جهان بی‌اعتبار است.
- دانش آدمی به پدیده‌های مادی محدود می‌شود.
- انسان ماشینی تلقی می‌شود که مرکب از رفتارهای معینی است.

- روح لوح سفیدی نیست که همه محتوای آن از تجربه‌های محیط تأمین شود، بلکه حقیقت مستقلی است که می‌تواند در امر شناخت فعالانه شرکت کند.
- یادگیری نیز نوعی رفتار کورکورانه و انفعالی نیست، بلکه دخل و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی است که تبدیل به شناخت و علم و معرفت در انسان می‌شود.

تأمل

- آیا بر اساس نظریه گشتالت عالم مطابق با ساختار ذهن ماست یا ساختار ذهن ما مطابق عالم است؟
- طبق این نظریه، عالم مطابق با ساختار ذهن ماست.

۲- فلسفه و جامعه‌شناسی

- تعریف جامعه ← تجمع گسترده‌ای از مردم با عقاید، سنت‌ها، روش‌های زندگی و منافع اقتصادی و سیاسی مشترک که برای رسیدن به هدف‌های مشترک خود آگاهانه با یکدیگر تعاون عمومی دارند.
- تعریف جامعه‌شناسی ← دانشی که درباره رفتارهای اجتماعی و دلایل تحولات اجتماعی بحث می‌کند.
- مسائل مهم ارتباط‌هندۀ جامعه‌شناسی و فلسفه ← ۱- اصالت فرد و اصالت جامعه، ۲- انسان و پایگاه طبقاتی او اصالت فرد و اصالت جامعه
- بعضی جامعه‌شناسان در نظریات خود اهمیت و اصالت را به فرد می‌دهند و بعضی به جامعه.
- پیروان مکتب اصالت فرد در جامعه‌شناسی در حقیقت جامعه را چیزی غیر از مجموع افراد نمی‌دانند و برای جامعه حیثیت وجود مستقلی جدا از افراد قائل نیستند.
- این مطلب که آیا جامعه وجودی مستقل و متفاوت از افراد جامعه نیز دارد یا نه، یک بحث فلسفی است.
- انسان و پایگاه طبقاتی او این مبحث ریشه در بینش فلسفی جامعه‌شناسان دارد.
- آزاد بودن انسان یا مجبور بودن و تابع شرایط پایگاه طبقاتی بودن او یک بحث فلسفی است.
- مکتب فلسفی مارکسیسم
- هر فرد بسته به اینکه به کدام یک از طبقات اقتصادی جامعه تعلق داشته و در کدام دوره از تاریخ زندگی کند، دارای عقاید، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های خاصی است.
- انسان مانند یک قطعه موم فرض می‌شود که خودش نمی‌تواند به خودش شکلی بدهد و در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه خود شکل می‌گیرد.
- مکتب معتقدان به روح و فطرت
- نقطه مقابل مارکسیسم است.
- معتقدند انسان با روح غیرمادی و فطرت الهی خود صاحب اراده‌ای آزاد است.
- انسان می‌تواند خود را از قید و بند پایگاه طبقاتی خود رها سازد.
- با ارزیابی اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌ها در ترازوی عقل و منطق می‌توان فرهنگ خاصی را انتخاب کرد.

تحلیل

اگر شما را از بدو تولد مجبور کرده باشند که با عینک قرمز به عالم نگاه کنید، در خصوص شناخت عالم چند فرض برای شما مطرح می‌گردد.

← فرض ۱: امکان دارد همه عالم قرمز باشد.

فرض ۲: امکان دارد رنگ‌های مختلفی در عالم وجود داشته باشد، اما چشم من فقط بتواند رنگ قرمز را ببیند.

فرض ۳: امکان دارد رنگ‌های مختلفی در عالم وجود داشته باشد، اما چشم من تمام آن رنگ‌ها را قرمز ببیند.

● گشتالت در زبان آلمانی به معنای شکل و هیئت است.

● نظریه گشتالت معتقد است که انسان در یادگیری و شناخت، اجزای تشکیل‌دهنده جدا از هم یا در کنار هم را درک نمی‌کند، بلکه آن‌ها را مانند مجموعه‌های مداخله‌کننده در صورت کل یا واحد می‌شناسد.

تطبیق

گزاره‌های زیر را با توجه به جدول در جای مناسب خود قرار دهید:

- احساسات انسان چیزی جز بازتاب عوامل خارجی نیست.
- افکار و باورهای ما فقط تابعی است از همه شرایطی که در آن قرار داریم.
- روان، حقیقت مستقلی است که می‌تواند در امر شناخت فعالانه شرکت کند.
- یادگیری نوعی رفتار کورکورانه و انفعالی است.
- یادگیری، عبارت است از دخل و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی.
- روح و روان لوح سفیدی نیست که همه محتوای آن از تجربه‌های محیط تأمین شود.
- ماده، تمام واقعیت انسان را تشکیل نمی‌دهد.

روان‌شناسی گشتالت	روان‌شناسی رفتارگرا
● احساسات انسان چیزی جز بازتاب عوامل خارجی نیست. که می‌تواند در امر شناخت فعالانه شرکت کند.	● روان، حقیقت مستقلی است و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی.
● افکار و باورهای ما فقط تابعی است از همه شرایطی که در آن قرار داریم.	● یادگیری نوعی رفتار کورکورانه و انفعالی است.
● روح و روان لوح سفیدی نیست که همه محتوای آن از تجربه‌های محیط تأمین شود.	● ماده، تمام واقعیت انسان را تشکیل نمی‌دهد.

اعتقادات گشتالت

- انسان محکوم علل و عوامل مادی نیست و تمام واقعیت او را ماده تشکیل نمی‌دهد.
- روح و روان واقعیتی است که ذهن در پرتو آن اصالت پیدا می‌کند و در شناخت فعالانه ظاهر می‌شود.

تطبيق

به نظر شما اگر کسی به تأثیر مطلق پایگاه اجتماعی بر انسان عقیده داشته باشد، چه فلسفه‌ای را باید بپذیرد؟

مارکسیسم؛ زیرا در این مکتب فلسفی، انسان مانند یک قطعه موم فرض شده است که خودش نمی‌تواند به خودش شکلی بدهد و در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه خود، شکل می‌گیرد.

۳- فلسفه و سیاست

یکی از مسائل مهم در سیاست مسئله حاکمیت و اقتدار سیاسی است؛ به عبارت دیگر مردم باید از کدام مرجع اطاعت کنند؟

فلسفه سیاست با دست یافتن به مبانی و اصولی درباره ماهیت و حقیقت انسان و جامعه، کلیدی برای تبیین عقلانی این مسئله پیدا می‌کند که حکومت بر مردم حق چه کسانی است.

مارکسیسم حکومت و مشروعيت سیاسی از آن پرولتاریا یعنی طبقه کارگر است.

غلب جامعه‌شناسان غربی اقتدار و مشروعيت سیاسی متعلق به اکثریت مردم است و اقلیت باید تابع رأی اکثریت باشد.

اسلام حکومت و اقتدار تنها از آن خداست و کسی مشروعيت سیاسی و ولایت بر مردم پیدا می‌کند که حکم خدا را بیان و اجرا کند.

حکومت دیکتاتوری یا استبدادی اقتدار سیاسی در اختیار فرد دیکتاتور است و هر چه او بگوید یا بخواهد باید اجرا شود.

جستجو

با مراجعه به سوره مائدہ آیه‌ای را پیدا کنید که ولایت و حاکمیت را از آن خدا می‌داند. از این آیه چه نتیجه‌ای درباره حاکمیت انسان‌ها می‌توان گرفت؟

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِذْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَرَأْيُ الْمُؤْمِنِونَ﴾ (مائدہ - ۵۵)

ولی شما تنها خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را بربا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌بردازند.

از این آیه نتیجه گرفته می‌شود که حاکمیت اصلی از آن خداست و رسول و مؤمنان حقیقی لازمه این اعمال حاکمیت در دنیا هستند.

۴- فلسفه و اخلاق

در علم اخلاق از خوبی و بدی و باید و نباید های اخلاقی سخن به میان می‌آید.

در فلسفه اخلاق سعی می‌شود یک مبدأ و شالوده عقلانی پیدا شود تا بر اساس آن بتوان احکام و قواعد علم اخلاق را تبیین عقلانی کرد.

برخی سوالات متداول در حیطه فلسفه اخلاق

چرا راستی و درستی خوب است و دروغ و خیانت بد؟

چرا آدمی باید راستگو و درستکار باشد؟

آیا آدمی باید همیشه و همه‌جا به صورت مطلق درست کردار باشد یا ارزش‌های اخلاقی نسبی هستند؟

اگر ارزش‌های اخلاقی نسبی هستند، تابع چه چیزهای دیگری هستند؟
نفع فرد؟ نفع جامعه؟ یا ...؟

برخی نمونه‌های مردود از فلسفه اخلاق

• فلسفه‌ای که در آن خوبی و بدی اموری اعتباری شناخته می‌شود و بر حسب نوعی قرارداد میان مردم یک قبیله یا جامعه معتبر می‌گردد، نمی‌تواند پایه‌های محکمی برای اخلاق بنای کند.

• در فلسفه‌ای که ارزش اخلاقی در آن وابسته به منافع فردی یا عمومی است و ارزش بر اساس منفعت تعریف می‌شود، اخلاق به پایین ترین سطح تنزل می‌کند.

• فلسفه‌ای که در آن ریشه بایدها و نباید های اخلاقی در ذات انسان و وجودان فرد جستجو می‌شود، اخلاق را بر شالوده‌ای متزلزل قرار می‌دهد؛ زیرا وجودان فردی توسط بسیاری نادیده گرفته می‌شود.

فلسفه اخلاقی دینی

• ارزش‌های اخلاقی را به سرشت انسان باز می‌گرداند و حس مسئولیت اخلاقی او را در برابر پروردگارش بیدار می‌کند.

• وقتی انسان همواره خود را در حضور خدا احساس می‌کند، نمی‌تواند کرامت روحی خود و ارزش‌های معنوی را زیر پا بگذارد.

• فقط فلسفه اخلاقی که از دین سرچشمه گرفته باشد، می‌تواند برای ارزش‌های اخلاقی توجیهی دقیق و استوار بیابد.

تفکر

آیا توصیه اخلاقی که «با دیگران چنان رفتار کن که بخواهی با تو همان طور رفتار کنند». می‌تواند حاصل قراردادهای انسانی باشد؟ توضیح دهید.

خیر؛ فلسفه‌ای می‌تواند اساس اخلاق را استوار کند که ارزش‌های اخلاقی را به سرشت انسان بازگرداند و حس مسئولیت اخلاقی او را در برابر خالق و پروردگارش بیدار می‌کند. به این ترتیب، تاکنون بشر در هیچ فلسفه اخلاقی به جز فلسفه اخلاقی که از دین سرچشمه گرفته باشد، نتوانسته است برای ارزش‌های اخلاقی توجیهی دقیق و استوار بیابد.

مقایسه

آیا توصیه‌های ادیان (اسلام، مسیح، یهود و زرتشت) در امور زیر با یکدیگر تفاوت دارد؟ آن‌ها را مقایسه کنید.

تمام ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیح و یهود) که توسط پیامبران الهی برای سعادت بشر ارائه شده‌اند، در اصول اخلاقی با یکدیگر مشترک هستند و همگی به ذات پاک و الهی انسان تأکید دارند. در این بین ادیان غیرابراهیمی (نظیر زرتشت) نیز اغلب به آیین اخلاقی اعتقاد و بر لزوم اخلاقی زیستن تأکید داشته‌اند. تفاوتی که در این بین وجود دارد، بر میزان تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و بر جسته‌سازی نقش آن‌ها در سعادت دنیوی و اخروی بشر است که اسلام به عنوان یک دین اخلاقی و پیامبر اکرم (ص) به عنوان اسوة اخلاق، بیش از همه بر این موارد تأکید دارند؛ مثلاً اسلام در مورد قتل بیان می‌دارد: کسی که یک نفر را بدون جرمی بکشد، مانند این است که همه مردم را کشته باشد؛ یا در مورد احترام به پدر و مادر می‌گوید: احترام به آن‌ها اُف گفت. به این ایشان مگر در شرک، واجب است و نباید حتی به آن‌ها اُف گفت. ترتیب، مظاهر و مصادیق اخلاق در اسلام در اوج اهمیت و لازم‌الرعایه هستند. (پاسخ تفصیلی نیاز به فرست و فضای بیشتری دارد.)

هنر در تفکر اسلامی

- هنر در هر دوره از تاریخ تفکر و تمدن بشر جلوه‌ای از نگاه انسان به حقیقت جهان در آن دوره بوده است.
- در تفکر اسلامی هر ذرای از ذرات جهان نقش و نگاری از جمال خداوندی است.
- پیامبر (ص) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (خداؤند زیباست و زیبایی را دوست دارد).
- هنرمند حقیقی از ظواهر اشیا عبور می‌کند و جلوه زیبایی حق را در همه اشیا و موجودات مشاهده می‌کند.
- تمام هنرهای اسلامی ما را از ارتباط عمیق اندیشه روحانی اسلام با هنر و ادراک و انتقال زیبایی در عالم اسلامی آگاه می‌سازد.

استخراج بیان

برداشت شما از این شعر حافظ چیست?
حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد

این همه نقش در آینه اوهام افتاد

← خالق تمام عالم و زیبایی‌های آن جز خدا نیست. حسن معشوق ازلی فقط یک بار جلوه کرد و عشق و عاشق و ماسوا را آفرید و با آنکه واحد و عین وحدت بود و از واحد جز واحد صادر نمی‌شود، ولی در اوهام کثرباندیش انسان‌ها نقش‌های گوناگونی پدید آمد. به تعییر دیگر می‌گوید کثرت وهم است و واقعیت ندارد و اصالت با جلوه یگانه و حسن بیگانه خدادست.

عوامل تأثیرگذار بر هنر

- همه اقوام و ملل در امر هنر تابع کیفیت اندیشه و فرهنگ خویش هستند.
- تفاوت هنر در دوران اساطیر یونانی، هنر دوران مسیحیت قرون وسطی، هنر رنسانس و هنر جدید، ریشه در تحول بینش‌های فلسفی بشر داشته است.

تفکر

به نظر شما چرا بعضی از انواع هنر در عالم اسلام گسترش پیدا کرده است؟ توضیح دهید.

← به دلیل مجموعه‌ای از عوامل از جمله دلایل شرعی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی، برخی هنرها مانند خوش‌نویسی و معماری که در خدمت اسلام نیز بودند و نمود آن را در کتابت قرآن یا ساخت مساجد می‌دیدند، بیشتر مورد حمایت قرار گرفتند و برخی هنرها مانند تندیس‌گری یا موسیقی که بعضاً با اهداف شرع مقدس هم‌سوبی کامل نداشتند، با محدودیت یا عدم حمایت مواجه شدند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

فلسفه علاوه بر علوم طبیعی (تجربی) با علوم انسانی از قبیل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، اخلاق و هنر رابطه معناداری دارد:

- روان‌شناسی ← موضوع ابعاد وجودی انسان و شناخت
- جامعه‌شناسی ← اصالت فرد یا جمع و اینکه انسان تابع پایگاه طبقاتی است یا اراده‌ای مستقل دارد.

● سیاست ← بررسی پایه حکومت و حق حاکمیت

● اخلاق ← بحث در مورد ملاک خوبی و بدی اخلاقی

● هنر ← بحث درباره ماهیت زیبایی و زشتی و یافتن مصادق‌های آن

تطبیق

- گزاره‌های زیر را با توجه به جدول در جای مناسب خود قرار دهید:
- فرد برای حفظ منافع خود دروغ می‌گوید.
 - فرد در همه جا به خوب بودن راستگویی معتقد است.
 - خوبی و بدی بر اساس نوعی قرارداد معتبر می‌گردد.
 - ارزش اخلاقی به منافع فردی یا جمعی وابسته است.
 - ارزش‌های اخلاقی ریشه در سرش انسان دارد.
 - انسان فطرتاً عدالت‌خواه است.

نظریه نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی	نظریه مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی
● فرد برای حفظ منافع خود دروغ می‌گوید.	● فرد در همه جا به خوب بودن راستگویی معتقد است.
● خوبی و بدی بر اساس نوعی قرارداد معتبر می‌گردد.	● ارزش‌های اخلاقی ریشه در سرش انسان دارد.
● ارزش اخلاقی به منافع فردی یا جمعی وابسته است.	● انسان فطرتاً عدالت‌خواه است.

۵- فلسفه و هنر

برخی سوالاتی که فلسفه هنر آن‌ها را تبیین عقلانی می‌کند

- زیبایی چیست و چه چیز را باید زیبا و چه چیز را باید زشت دانست؟
- هنر مرتبط با زیبایی و آفرینش است اما حقیقت و ماهیت زیبایی چیست؟
- فرق یک هنرمند با دیگران چیست؟

- آیا همه مردم در نگاه به اشیا و امور، زیبایی آن‌ها را درک می‌کنند؟
- چرا بعضی زبان زیبایی و هنری اشیا را می‌فهمند و بعضی خیر؟

بررسی

چرا عده‌ای به زیبایی‌های موجود در طبیعت توجه دارند و عده‌ای خیر؟

← در فلسفه هنر به این موضوع توجه می‌شود که افراد در درک زیبایی‌های جهان یکسان عمل نمی‌کنند و چه بسا تعریف هریک از زیبایی متفاوت باشد. به این ترتیب، همه دارای طرز نگاه یکسانی نیستند و برخی که هنرمند یا هنردوست هستند، در توجه، درک، تفسیر و خلق زیبایی، بهتر و بیشتر عمل می‌کنند. البته برای بی‌توجهی به زیبایی‌های آفرینش می‌توان به دلایل دیگری از جمله دوری از فطرت زیبایی‌پسند انسان، اشتغالات روزمره و تعلقات دنیوی نیز اشاره کرد. اگر دو تابلو از زیباترین تابلوهای جهان باشند، آیا باز می‌توان یکی از آن دو را زیباتر دانست؟

← بله؛ اساساً برای زیبایی نمی‌توان حد و مرزی قائل شد و روح زیبایی‌پسند انسان نیز همواره در پی تکامل و جستجوی زیبایی‌های بهتر و بیشتری است.

تمرین‌ها

۱. پاسخ مکاتب فلسفی به مسائلی از قبیل: شناخت انسان، رابطه روح و جسم و بحث شناخت، چه تأثیری در دیدگاه‌های روان‌شناسی می‌گذارد؟ از آن جا که روان‌شناسی علمی است که در آن حالات روانی و رفتار آدمی تحقیق و بررسی می‌شود، توجه یا عدم توجه به چنین مسائلی می‌تواند منجر به شکل‌گیری فرضیات و رویکردهایی در روان‌شناسی گردد که اساساً با رویکرد دیگر متفاوت باشد. بدین ترتیب، تحلیل و تفسیری که یک روان‌شناس معتقد به روح از رفتار و فرایندهای روانی ارائه می‌دهد، حائز جنبه‌ها و نکاتی است که در تفسیر یک روان‌شناس که انسان را محدود به جسم می‌داند، وجود ندارد.
۲. رابطه فلسفه و جامعه را با توجه به اصالت فرد و اصالت جمع توضیح دهید.
طبعاً نظریات جامعه‌شناسی که به اصالت فرد معتقد است با تحلیل‌های کسی که به اصالت جامعه اعتقاد دارد، متفاوت خواهد بود. پیروان مکتب اصالت فرد، جامعه را چیزی غیر از مجموع افراد نمی‌دانند و برای جامعه حیثیت وجود مستقلی جدای از افراد قائل نیستند، اما پیروان مکتب اصالت جامعه منافع جمع را بر فرد اولویت می‌دهند و معتقدند که حفظ مصالح جمع بر مصالح فردی تقدیم دارد.
۳. دیدگاه مکتب مارکسیسم را با اسلام درباره انسان و پایگاه طبقاتی او با یکدیگر مقایسه کنید و نتیجه آن را در یک صفحه به معلم خود ارائه دهید.
در مکتب فلسفی مارکسیسم این اعتقاد وجود دارد که هر فرد بر حسب اینکه به کدامیک از طبقات اقتصادی جامعه تعلق داشته و در کدام دوره از تاریخ زندگی می‌کند، دارای عقاید، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های خاصی است. در این مکتب، انسان مانند یک قطعه موم فرض شده است که خودش نمی‌تواند به خودش شکلی بدهد و در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه خود شکل می‌گیرد. در مقابل این طرز تفکر، فیلسوفان مسلمان معتقدند که انسان با روح غیرمادی و فطرت الهی خود، صاحب اراده‌ای آزاد است که می‌تواند خود را از قید و بند پایگاه طبقاتی رها سازد و با ارزیابی اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌ها در ترازوی عقل و منطق، برای خود فرهنگ خاصی را انتخاب کند. (شرح و تفصیل به عهده دانش‌آموز)
۴. دیدگاه مکتب مارکسیسم را با اسلام از نظر حکومت با یکدیگر مقایسه و در کلاس گزارش کنید.
مارکسیسم حاکمیت را حق طبقه پرولتاریا یعنی طبقه کارگر می‌داند و معتقد است تنها آن چه پرولتاریا بگوید مشروعيت سیاسی دارد، اما در اسلام، حکومت و اقتدار تنها از آن خداست و کسی مشروعيت سیاسی و ولایت پیدا می‌کند که حکم خدا را بیان و اجرا کند. در اسلام از سخن کسی که بر خلاف حکم خدا فرمان دهد، نمی‌توان اطاعت کرد. (شرح و تفصیل به عهده دانش‌آموز)
۵. چه نوع بحثی پیرامون خوبی‌ها و بدی‌ها در قلمرو فلسفه اخلاق قرار دارد؟
پرسش از چرایی‌های اخلاق در حیطه فلسفه علم اخلاق است؛ پرسش‌های کلی نظری اینکه «چرا باید خوب بود؟» و «چرا باید بدرفتاری کرد؟».
۶. چه نوع بحثی پیرامون زیبایی‌ها و زشتی‌ها در قلمرو فلسفه هنر قرار دارد؟
بحث در مورد ماهیت و حقیقت زیبایی یا زشتی و اینکه چرا تعابیر افراد از مصادیق زیبایی و زشتی متفاوت است، در حیطه فلسفه علم هنر است.
۷. نظریات دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم انسانی مبنی بر است.
(آ) آشنایی آن‌ها با حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت واقعیت
(ب) فرهنگ جامعه و طبقه اقتصادی که به آن تعلق دارند
(ج) شناخت آن‌ها از انسان و ابعاد وجودی او
(د) شناخت آن‌ها از حالات روانی انسان و رفتار او
گزینه «ج»
۸. در مکتب مارکسیسم، درباره تأثیر پایگاه طبقاتی بر عقاید و فرهنگ انسان، اعتقاد بر این است که
(آ) انسان با ارزیابی اندیشه‌ها و آرمان‌ها به وسیله عقل و منطق، برای خویش عقاید و فرهنگ خاصی برمی‌گزیند.
(ب) عقاید و فرهنگ هر فرد تابع طبقه اقتصادی او و آن دوره‌ای از تاریخ است که وی در آن زندگی می‌کند.
(ج) انسان مانند یک قطعه موم نیست که در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه‌اش شکل می‌گیرد.
(د) آدمی اگر به فطرت الهی خویش بازگردد، می‌تواند خود را از تأثیر مطلق پایگاه طبقاتی اش آزاد سازد.
گزینه «ب»
۹. کدام یک از مسائل زیر برخاسته از بینش فلسفی جامعه‌شناسان نیست و بحث درباره آن، فلسفی نمی‌باشد؟
(آ) حقیقت جامعه چیست و چرا جوامع بوجود می‌آیند؟
(ب) آیا انسان می‌تواند مستقل از پایگاه طبقاتی خود، برای خویش فرهنگ خاصی انتخاب کند?
(ج) تک‌محصولی بودن ایران، چه مشکلاتی را برای ما بوجود آورده است؟
(د) آ و ج
گزینه «د»

۱۰. کدامیک از مسائل زیر متعلق به فلسفه هنر است؟
 آ) در نگارگری ایرانی چه عناصری الهام‌بخش هنرمند بوده‌اند?
 ب) کدام اقوام اولین بار روی سفال نقاشی کردند?
 ج) ویژگی نقش برجسته‌های تخت جمشید چیست?
 د) هنر چیست و منشأ آن چه می‌باشد?
 گزینه «د»
۱۱. دو نظریه درباره مشروعيت سیاسی را که در کتاب ذکر شده است، بررسی و با دیدگاه اسلام مقایسه کنید و نتیجه مقایسه خود را در کلاس گزارش نمایید.
- مارکسیسم حاکمیت را حق طبقه پرولتاریا یعنی طبقه کارگر می‌داند و معتقد است تنها آن‌چه پرولتاریا بگوید مشروعيت سیاسی دارد؛ بسیاری از جامعه‌شناسان غربی اقتدار و مشروعيت سیاسی را متعلق به اکثریت مردم یک جامعه می‌دانند و معتقدند که اقلیت باید تابع رأی اکثریت باشد؛ اما در اسلام، حکومت و اقتدار تنها از آن خداست و کسی مشروعيت سیاسی و ولایت پیدا می‌کند که حکم خدا را بیان و اجرا کند. در اسلام از سخن کسی که برخلاف حکم خدا فرمان دهد، نمی‌توان اطاعت کرد. (شرح و تفصیل به عهده دانشآموز)
۱۲. به نظر شما آیا کسانی که به مهم‌ترین موضوعات و سؤالات زندگی خود فکر نمی‌کنند، می‌توانند اخلاقی عمل کنند؟
 خیر؛ تفکر به امور اساسی زندگی و سؤالاتی که در این باره به وجود می‌آید، مانند سؤالاتی که فلسفه علم اخلاق مسئول پاسخ‌گویی به آن‌هاست، شرط اخلاقی زیستن است.

سوالات امتحانی درس

سوالات جای خالی (جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.)

۱. در رشته‌های مختلف علوم انسانی نظریات دانشمندان بسته به اینکه چه تصویری از داشته باشند، فرق می‌کند.
 ۲. علمی است که در آن حالات روانی و رفتار آدمی تحقیق و بررسی می‌شود.
 ۳. علم روان‌شناسی از قرن میلادی با استفاده از روش‌های و استفاده از رشد و گسترش زیادی پیدا کرد.
 ۴. بحث از مباحث مهم فلسفه است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان آید.
 ۵. دو مسئله‌ای که میان فلسفه و روان‌شناسی پیوند برقرار می‌کند و است. (نهایی، دی ۹۱ و شهریور ۹۵)
- شناخت
- داشتن یا نداشتن روح (روح) - شناخت
۶. اگوست کنت مکتب فلسفی موسوم به مکتب را بنیاد نهاد.
 ۷. اگوست کنت معتقد بود اموری را می‌توان اثبات کرد که باشند.
 ۸. روان‌شناسی حاصل از مکتب تحصیلی به روان‌شناسی شهرت یافت.
 ۹. در مقابل دیدگاه رفتارگرا، نظریه پدید آمد که مبتنی بر آرای بود.
 ۱۰. گشتالت در زبان آلمانی به معنای و است.
 ۱۱. طبق نظریه گشتالت یادگیری دخل و تصرف عوامل در داده‌های است که وارد ذهن می‌شود.
 ۱۲. دانشی که درباره رفتارهای اجتماعی و دلایل تحولات اجتماعی بحث می‌کند، نام دارد.
- جامعه‌شناسی
۱۳. دو مسئله اساسی که بیانگر ارتباط فلسفه و جامعه‌شناسی است، و می‌باشد. (نهایی، فرورداد ۹۰)
- اصالت فرد و اصالت جامعه - انسان و پایگاه طبقاتی او
۱۴. پیروان مکتب جامعه را چیزی غیر از مجموع افراد نمی‌دانند.
 ۱۵. این مطلب که آیا جامعه وجودی مستقل و متفاوت از افراد جامعه نیز دارد یا نه، یک بحث است.
- فلسفی
۱۶. در مکتب فلسفی انسان یک قطعه موم فرض شده است که در دست شرایط زمانه خود شکل می‌گیرد. (نهایی، دی ۹۱)
 ۱۷. برخی فیلسوفان معتقدند که انسان با روح غیرمادی و فطرت الهی خود می‌تواند با ارزیابی اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌ها در ترازوی عقل و منطق، برای خود خاصی را انتخاب کند.
- مارکسیسم
- فرهنگ

۱۸. مارکسیسم حکومت را حق طبقه می داند. (نهایی، فرداد ۹۵)
۱۹. اغلب جامعه شناسان غربی اقتدار و مشروعيت سیاسی را متعلق به می دانند.
۲۰. یافتن پاسخ این سوال که «حکومت بر مردم حق چه کسی است؟» نیازمند ورود به حوزه دیگری از معرفت به نام است تا با دست یافتن به اصولی درباره حقیقت و کلیدی برای تبیین عقلانی آن پیدا کنیم. (نهایی، فرداد ۹۱) فلسفه سیاست - انسان - جامعه
۲۱. در فلسفه اخلاق سعی می شود یک شالوده عقلانی پیدا شود تا بر اساس آن، احکام و قواعد علم اخلاق را کرد. تبیین عقلانی
۲۲. فلسفه ای که ارزش اخلاقی در آن بر اساس تعریف می شود، اخلاق را به پایین ترین سطح خود تنزل می دهد.
۲۳. فقط فلسفه اخلاقی که از سرچشممه گرفته باشد، می تواند برای ارزش های اخلاقی توجیهی دقیق و استوار بیابد. دین
۲۴. سروکار داشتن با زیبایی است. هنر
۲۵. در تفکر هر ذره ای از ذرات جهان نقش و نگاری از جمال خداوندی است.
۲۶. تفاوت هنر در ادوار گوناگون ریشه در تحول بینش های بشر داشته است.
۲۷. موضوع ابعاد وجودی انسان و شناخت، مسئله ای است که دانش را با فلسفه مربوط می سازد.
۲۸. این مطلب که اصالت با فرد است یا جمع، فلسفه را با پیوند می دهد.

سوالات درست یا نادرست (درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.)

۲۹. فلسفه هم با علوم طبیعی هم با علوم انسانی در ارتباط است.
۳۰. دانشمندان علوم انسانی درباره ماهیت و حقیقت انسان عقایدی دارند که اثبات آن از راه های علمی و تجربی ممکن نیست.
۳۱. یکی از مسائلی که میان فلسفه و روان شناسی پیوند ایجاد می کند، مسئله «روح» است. (نهایی، شهریور ۹۳)
۳۲. از آن جا که روان شناسی بر جسم و رفتار انسان متمرکز است، مسئله روح تأثیری در این دانش ندارد.
۳۳. شناخت یکی از رفتارهای انسان محسوب می شود.
۳۴. بنیان گذار مکتب پوزیتیویسم، اگوست کنت است.
۳۵. ایمانوئل کانت تفکر عقلانی محض را در شناخت موجودات جهان بدون اعتبار می دانست.
۳۶. در روان شناسی رفتارگرا شناخت، نوعی فرایند روانی است که حاصل بازتاب عوامل مؤثر محیطی است.
۳۷. کانت ادراک انسان را نمایش منفعی از تأثیر عوامل و عناصر محیطی می دانست.
۳۸. نظریه گشتالت معتقد است که انسان در یادگیری و شناخت، اجزای تشکیل دهنده جدا از هم یا در کنار هم را درک نمی کند، بلکه آن ها را مانند مجموعه های متداخل، به صورت کل یا واحد می شناسد.
۳۹. یادگیری یک فرایند انفعالی است.
۴۰. بر اساس نظریه گشتالت، ساختار ذهن ما مطابق عالم است.
۴۱. جامعه تجمع گستردگی از مردم با منافع و اهداف متنوع است که آگاهانه با هم تعاوون عمومی دارند.
۴۲. این مطلب که آیا جامعه وجودی مستقل از افراد نیز دارد یا نه، یک بحث جامعه شناسی است.
۴۳. موضوع انسان و پایگاه طبقاتی او از موارد مرتبط فلسفه و سیاست است.
۴۴. این موضوع که آیا انسان تابع شرایط پایگاه طبقاتی هست یا خیر، یک بحث فلسفی است.
۴۵. مخالفان مارکسیسم انسان را مانند موی در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه فرض کرده اند. (نهایی، دی ۹۱)
۴۶. در مکتب مارکسیسم انسان به یک قطعه موم تشبیه شده است. (نهایی، فرداد ۹۱)
۴۷. در مکتب مارکسیسم حکومت و اقتدار تنها از آن خداوند است. (نهایی، فرداد ۹۶)
۴۸. در نظریه مارکسیسم، کارگران مشروعيت سیاسی دارند.
۴۹. بسیاری از جامعه شناسان غربی حکومت را حق طبقه «پرولتاپیا» می دانند. (نهایی، دی ۹۳)
۵۰. نظریه دمکراسی مرتبط با پیروی اقلیت از اکثریت است.
۵۱. در اسلام حکومت و اقتدار تنها از آن خداست و کسی جز او مشروعيت و ولایت پیدا نمی کند.
۵۲. در علم سیاست می توان حکومت دیکتاتوری و حکومت استبدادی را مترادف دانست.
۵۳. تبیین عقلانی این مسئله که «آیا باید همیشه و همه جا به طور مطلق راستگو بود؟» بیانگر ارتباط فلسفه و علم حقوق است. (نهایی، فرداد ۹۰)
۵۴. به این سوال که «آیا می توان انسان را در مواردی مجرم دانست؟» در فلسفه اخلاق پاسخ داده می شود. (نهایی، شهریور ۹۳)

۵۵. یکی از مسائل «فلسفه اخلاق» این است که «جرم چیست؟» (نهایی، فرداد ۹۵)
۵۶. فلسفه‌ای اخلاقی است که در آن ریشه بایدها و نبایدها در ذات انسان وجودان فرد جستجو می‌شود.
۵۷. تمام ادیان در مباحث اخلاقی دارای آموزه‌هایی با کمیت و کیفیت یکسان هستند.
۵۸. به این سؤال که «ماهیت و حقیقت زیبایی چیست؟» در فلسفه اخلاق پاسخ داده می‌شود. (نهایی، دی ۹۵)
۵۹. به این سؤال که «ماهیت زیبایی چیست؟» در فلسفه حقوق پاسخ داده می‌شود. (نهایی، فرداد ۹۱۳)
۶۰. انسان از حقیقت و ماهیت زیبایی درکی ندارد.
۶۱. به دلیل اشتراک در ذات، درک انسان‌ها از مقوله زیبایی مشترک است.

علت نادرستی عبارت‌ها

- ۳۲- اگر فیلسوفی معتقد باشد که انسان علاوه بر جسم مادی صاحب یک روح غیرمادی نیز هست، روان‌شناسی در مکتب فیلسوف دیگری که معتقد است انسان چیزی غیر از همین جسم مادی نیست، فرق می‌کند.
- ۳۳- شناخت یکی از افعال روانی انسان است.
- ۳۴- در این دیدگاه روان‌شناسی، شناخت نوعی رفتار است.
- ۳۵- آگوست کنت چنین نظری داشت.
- ۳۶- عقیده کانت برعکس این موضوع بود.
- ۳۷- یادگیری دخل و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی است که وارد ذهن می‌گردد.
- ۳۸- طبق این نظریه، عالم مطابق با ساختار ذهن ماست.
- ۳۹- این مطلب، یک بحث فلسفی است.
- ۴۰- این موضوع به فلسفه و جامعه‌شناسی ارتباط دارد.
- ۴۱- در یک جامعه، منافع و اهداف، مشترک است.
- ۴۲- این اعتقاد مربوط به مارکسیسم است.
- ۴۳- مارکسیسم حاکمیت را حق طبقه پرولتاپیا یعنی طبقه کارگر می‌داند.
- ۴۴- اغلب جامعه‌شناسان غربی حکومت را حق اکثریت می‌دانند.
- ۴۵- در اسلام کسی مشروعیت سیاسی و ولایت پیدا می‌کند که حکم خدا را بیان و اجرا کند.
- ۴۶- تبیین عقلانی این موضوع در حیطه فلسفه علم اخلاق می‌باشد.
- ۴۷- بررسی این پرسش در حیطه فلسفه اخلاق نیست. (به عهده فلسفه حقوق است.)
- ۴۸- بررسی این پرسش در حیطه فلسفه اخلاق نیست. (به عهده فلسفه حقوق است.)
- ۴۹- وجودان فرد در بسیاری از اشخاص قادر نیست مانع جدی برای خلافکاری به حساب آید و نادیده گرفتن آن چندان دشوار نیست.
- ۵۰- هر چند اشتراکات فراوانی وجود دارد، از نظر کمی و کیفی تفاوت‌هایی دیده می‌شود.
- ۵۱- فلسفه هنر به بررسی این سؤال می‌پردازد.
- ۵۲- پسر حق دارد از حقیقت و ماهیت زیبایی سؤال کند و فلسفه هنر به آن پاسخ می‌دهد.
- ۵۳- بعضی زبان زیبایی و هنری اشیا را می‌فهمند و بعضی دیگر آن زبان را نمی‌فهمند.

برقراری ارتباط (ستون سمت راست را به ستون سمت چپ ارتباط دهید. یک یا چند مورد اضافی است.)

۶۲

- | | |
|----------------------|---|
| ۱. هنر | آ. زیبایی چیست؟ |
| ۲. سیاست | ب. راستی و درستی خوب است و باید راستگو و درستکار بود. |
| ۳. فلسفه هنر | پ. مردم باید از کدام مرجع اطاعت کنند؟ |
| ۴. جامعه‌شناسی | ت. تعریف جامعه چیست؟ |
| ۵. فلسفه اخلاق | ث. اصالت با فرد است یا جامعه؟ |
| ۶. فلسفه سیاست | |
| ۷. اخلاق | |
| ۸. فلسفه جامعه‌شناسی | |

آ. شناخت

ب. وفای به عهد

۱. فلسفه هنر
۲. فلسفه اخلاق
۳. فلسفه حقوق
۴. فلسفه روان‌شناسی

۲ ب ۴ آ

سوالات تشریحی (به سؤالات زیر جواب دهید.)

۶۴. روان‌شناسی چه چیزی را بررسی می‌کند؟

حالات روانی و رفتار آدمی.

۶۵. دو موضوعی که فلسفه و روان‌شناسی را به هم پیوند می‌دهد، بنویسید.
(نهایی، فرداد ۹۴)

اعتقاد داشتن یا نداشتن به روح و شناخت.

۶۶. در مورد تأثیر روح در فلسفه روان‌شناسی توضیح دهید.

اگر فیلسفی معتقد باشد که انسان علاوه بر جسم مادی صاحب یک روح غیرمادی نیز هست، روان‌شناسی در مکتب او با روان‌شناسی در مکتب فیلسوف دیگری که معتقد است انسان چیزی غیر از همین جسم مادی نیست، فرق می‌کند.

۶۷. چرا بحث «شناخت» در روان‌شناسی نیز مطرح می‌شود؟
(نهایی، فرداد ۹۳ و ۹۵)

زیرا یکی از افعال روانی انسان است.

۶۸. بحث شناخت در فلسفه پیرامون چه موضوعی است و این بحث چگونه با علم روان‌شناسی ارتباط پیدا می‌کند؟
(نهایی، دی ۹۲)

بحث شناخت یکی از بحث‌های مهم فلسفه است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان آید. از آن‌جاکه شناخت یکی از افعال روانی انسان است، همین بحث در روان‌شناسی نیز مطرح است.

۶۹. در مورد روان‌شناسی رفتارگرا به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

آ) بنیان‌گذار آن کیست؟
ب) مکتب فلسفی مرتبط با این نوع روان‌شناسی چه نام دارد؟

پ) مهم‌ترین فرضیه در این روان‌شناسی چیست؟

پ: تمکن بر چیزهایی که دیده، شنیده یا لمس می‌گردد.

۷۰. ویژگی‌های روان‌شناسی رفتارگرا را به اختصار بنویسید.

انسان ماشینی است که رفتارهای معینی دارد. یادگیری و شناخت نیز نوعی رفتار به‌شمار می‌رود که حاصل بازتاب عوامل مؤثر محیطی است. شخصیت انسان امتیازی جدای از محیطی که در آن پرورش می‌یابد، ندارد و تمام رفتارهای انسان قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است.

۷۱. کدام نظریه در مقابل دیدگاه رفتارگرا شکل گرفت و مبدع آن که بود؟

نظریه گشتالت که مبتنی بر آرای ایمانوئل کانت بود.

۷۲. کانت ادراک را چگونه توصیف می‌کند؟

او ادراک را مانند یک واحد سازمان یافته توصیف می‌کرد که در آن، ذهن به مواد خام ادراکی که از محیط به آن می‌رسد، شکل و سازمان می‌بخشد.

۷۳. نظریه گشتالت یادگیری و شناخت را چگونه تبیین می‌کند؟ با مثال توضیح دهید.

معتقد است که انسان در یادگیری و شناخت، اجزای تشکیل‌دهنده جدا از هم یا در کنار هم را درک نمی‌کند، بلکه آن‌ها را مانند مجموعه‌های متداخل به صورت کل یا واحد می‌شناسد؛ مثلاً کودک هنگام یادگیری کلمه «بابا» ابتدا کل کلمه را می‌شناسد و سپس به تدریج حروف تشکیل‌دهنده آن و معنای آن کلمه را درمی‌یابد.

۷۴. مطابق نظریه گشتالت در ذهن یک دانش‌آموز هنگام حل یک مسئله چه می‌گذرد؟

دانش‌آموز ابتدا کل آن مسئله را بدون توجه به اجزا با عناصرش در نظر می‌گیرد و یک مفهوم کلی از آن مسئله در ذهن خود به وجود می‌آورد، سپس به عملیات جزئی آن می‌پردازد و سرانجام آن مسئله را حل می‌کند.

۷۵. جایگاه روح را در نظریه گشتالت تبیین کنید.

انسان محکوم به علل و عوامل مادی نیست و تمام واقعیت او را ماده تشکیل نمی‌دهد. روح و روان واقعیتی است که ذهن در پرتو آن اصالت پیدا می‌کند و در شناخت، فعالانه ظاهر می‌شود. مطابق این نظریه نمی‌توان روح را مانند لوح سفیدی دانست که همه محتوای آن از تجربه‌های محیط تأمین می‌شود، بلکه حقیقت مستقلی است که می‌تواند در امر شناخت، فعالانه شرکت کند.

۷۶. بر اساس نظریه گشتالت، یادگیری چگونه تعریف می‌شود؟
یادگیری نوعی رفتار کورکرانه یا انفعالی نیست، بلکه دخل و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی است که تبدیل به شناخت و علم و معرفت در انسان می‌شود.
۷۷. اصطلاحات جامعه و جامعه‌شناسی را تعریف کنید.
جامعه عبارت است از تجمع گسترده‌ای از مردم با عقاید، سنت‌ها، روش‌های زندگی و منافع اقتصادی و سیاسی مشترک که برای رسیدن به هدف‌های مشترک خود، آگاهانه با یکدیگر تعامل عمومی دارند. دانشی که درباره رفتارهای اجتماعی و دلایل تحولات اجتماعی بحث می‌کند، جامعه‌شناسی نام دارد.
۷۸. دو مسئله‌ای که فلسفه و جامعه‌شناسی را به هم مربوط می‌سازد، نام ببرید.
(نهایی، شهابیور ۹۴)
اصالت فرد و اصالت جامعه، انسان و پایگاه طبقاتی او.
۷۹. عقیده پیروان مکتب اصالت جامعه چیست?
جامعه چیزی غیر از مجموع افراد است و وجود و هویتی مستقل از اعضای خویش دارد.
۸۰. چرا می‌توان در مکتب فلسفی مارکسیسم، انسان را به یک قطعه موم شبیه کرد?
(نهایی، شهابیور ۹۴)
زیرا این اعتقاد وجود دارد که هر فرد بر حسب اینکه به کدام‌یک از طبقات اقتصادی جامعه تعلق داشته و در کدام دوره از تاریخ زندگی کند، دارای عقاید، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های خاصی است و خودش نمی‌تواند به خودش شکلی بدهد و در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه خود شکل می‌گیرد.
۸۱. در مکتب فلسفی مارکسیسم در مورد انسان و پایگاه طبقاتی او چه اعتقادی وجود دارد?
(نهایی، دی ۹۵)
هر فرد بسته به اینکه به کدام دوره تاریخی و کدام طبقه اقتصادی جامعه تعلق دارد، دارای ارزش‌ها و آرمان‌های خاصی است. در این مکتب انسان مانند یک قطعه موم فرض شده است که خودش نمی‌تواند به خودش شکل بدهد.
۸۲. نظریه مقابله مارکسیسم در جامعه‌شناسی چیست؟ توضیح دهید.
در مقابل طرز تفکر مارکسیسم، فیلسوفان دیگری هستند که معتقدند انسان با روح غیرمادی و فطرت الهی خود، صاحب اراده‌ای آزاد است که می‌تواند خود را از قید و بند پایگاه طبقاتی خود رها سازد و با ارزیابی اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌ها در ترازوی عقل و منطق، برای خود فرهنگ خاصی را انتخاب کند.
۸۳. هریک از طرز تفکرهای زیر، حاکمیت را حق کدام طبقه می‌داند؟
(نهایی، شهابیور ۹۴)
آ) جوامع غربی ب) مارکسیسم
آ: اکثریت پ: پرولتاریا (کارگر)
ت) استبدادی پ: خدا و کسی که حکم خدا را بیان و اجرا کند.
ت: فرد دیکتاتور
۸۴. فلسفه سیاست به دنبال دستیابی به پاسخ کدام پرسش اساسی است؟
حکومت بر مردم حق چه کس یا کسانی است و مردم از چه کس یا کسانی باید پیروی کنند؟
۸۵. چند سؤال را که پاسخ‌گویی به آن‌ها در حیطه فلسفه اخلاق است، بیان کنید.
چرا راستی و درستی خوب است و دروغ و خیانت بد؟ آیا ارزش‌های اخلاقی نسبی است؟ اگر نسبی است تابع چیست؟ نفع فرد یا نفع جامعه؟
۸۶. در کدام نوع از فلسفه، اخلاق به پایین ترین سطح خود تنزل می‌کند?
فلسفه‌ای که ارزش‌های اخلاقی در آن وابسته به منافع فردی یا عمومی است و ارزش بر اساس منفعت تعریف می‌شود.
۸۷. این ادعا را که «فلسفه‌ای که در آن ریشه بایدها و نبایدهای اخلاقی در ذات و وجود انسان جست‌وجو می‌شود، اخلاق را بر شالوده‌ای مطمئن و استوار می‌نشاند.» نقد کنید.
چنین فلسفه‌ای اخلاق را بر شالوده‌ای قرار می‌دهد که می‌تواند فرو ریزد، زیرا وجود انسان فردی در بسیاری اشخاص قادر نیست مانع جدی برای خلافکاری به حساب آید و نادیده گرفتن آن چندان دشوار نیست.
۸۸. چه فلسفه‌ای می‌تواند اساس اخلاق را استوار کند؟ توضیح دهید.
فلسفه‌ای که ارزش‌های اخلاقی را به سرش انسان بارگرداند و حس مسئولیت اخلاقی او را در برابر خالق و پروردگارش بیدار کند. تاکنون هیچ فلسفه اخلاقی به جز آن چه از دین سرچشمه گرفته، نتوانسته است برای ارزش‌های اخلاقی توجیهی دقیق و استوار بیابد.
۸۹. چه ارتباطی میان هنر و فلسفه وجود دارد?
(نهایی، دی ۹۵)
هنر، سروکار داشتن با زیبایی است اما بشر حق دارد از حقیقت و ماهیت زیبایی سؤال کند. در این راستا پرسش‌هایی چون «فرق هنرمند با دیگران چیست؟» و «آیا همه مردم در نگاه به اشیا و امور، زیبایی آن‌ها را درک می‌کنند؟»، سؤالاتی است که محتاج تبیین عقلانی است و جای طرح آن‌ها در فلسفه هنر است.
۹۰. هنر و هنرمند در تفکر اسلامی چه ویژگی‌هایی دارند؟
هر ذرات جهان نقش و نگاری از جمال خداوندی است. طبق گفتهٔ پیامبر اکرم (ص)، خداوند زیبایی را دوست دارد. هنرمندی که این بینش را دارد، می‌کوشد تا از ظواهر اشیا عبور کرده و جلوه زیبایی حق را در همه اشیا و موجودات مشاهده کند.
۹۱. برای این موضوع که «بین اسلام و هنر پیوندی دیرینه برقرار است.» چند نمونه ذکر کنید.
شاعران بزرگ و پرآوازه‌ای که در دل فرهنگ اسلامی جوانه زدن و شکوفا شدن و از عطر کلامشان اعصار بعد از خود را معطر ساختند، معماری حیرت‌انگیز و جاودانه مساجد، گنبدها و مناره‌ها، خطاطی‌های پرشکوه و نقش و نگارها و طرح‌های اسلامی و هندسی، تلاوت موزون و آهنگین آیات قرآنی و ...

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۹۲. کدام ادعا درباره نظر دانشمندان علوم انسانی در مورد انسان صحیح است؟

- (۱) اثبات این نظرات از راههای علمی و تجربی ممکن نیست.
- (۲) اثبات این نظرات از راههای علمی ممکن و از راههای تجربی ناممکن است.
- (۳) اثبات این نظرات از راههای تجربی ممکن و از راههای علمی ناممکن است.
- (۴) اثبات این نظرات از راههای علمی و تجربی ممکن است.

۹۳. در کدام علم است که حالات روانی و رفتار آدمی تحقیق و بررسی می‌شود؟ این علم از کدام قرن (میلادی) رشد و گسترش یافت؟

- ۱۸) روان‌شناسی - ۱۹) فلسفه روان‌شناسی - ۲۰) فلسفه روان‌شناسی - ۲۱) روان‌شناسی

(سراسری ۹۳)

- (۲) بدون ارتباط آن با روان‌شناسی غیر قابل بررسی است.
- (۴) سخن از عالم خارج و شناخت پدیده‌ها به میان می‌آورد.

۹۴. بحث شناخت در فلسفه

- (۱) به عنوان یکی از افعال روانی انسان بررسی می‌شود.
- (۳) از ماهیت ذهن و چگونگی شناخت عالم سخن می‌گوید.

۹۵. کدام گزینه با سایر گزینه‌ها ارتباط ندارد؟

- ۲۲) نظریه گشتالت - ۲۳) مکتب پوزیتیویسم - ۲۴) اگوست کنت

۹۶. کدام گزینه منطبق با یافته‌های روان‌شناسی رفتارگرا نیست؟

- (۱) بر رفتار انسان قانونی همانند قانون‌های حاکم بر پدیده‌های طبیعت حاکم است.
- (۲) انسان ماشینی تلقی می‌شود که مرکب از رفتارهای معینی است.
- (۳) تمام رفتارهای انسان قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است.
- (۴) ادراک، یک واحد سازمان یافته است که در آن ذهن به مواد خام ادراکی محیط، شکل و سازمان می‌بخشد.

۹۷. نظریه گشتالت فرایند حل مسئله یک دانش‌آموز را چگونه تبیین می‌کند؟

- (۱) ابتدا آن مسئله را بدون توجه به اجزا یا عناصرش در نظر می‌گیرد و یک مفهوم کلی از آن مسئله در ذهن خود به وجود می‌آورد، سپس به عملیات جزئی آن می‌پردازد و سرانجام آن مسئله را حل می‌کند.
- (۲) با بررسی اجزای جزئی، مسئله را به چند قسمت تقسیم می‌کند. سپس با اتصال قسمت‌های گوچکتر و حل شده، به جواب نهایی می‌رسد.
- (۳) ابتدا آن مسئله را با توجه به اجزا یا عناصرش در نظر می‌گیرد و یک مفهوم کلی از آن مسئله در ذهن خود به وجود می‌آورد، سپس به عملیات جزئی آن می‌پردازد و سرانجام آن مسئله را حل می‌کند.
- (۴) با بهره‌گیری از تمثیل یعنی مانند کردن مسائل دشوارتر به مسائل ساده‌تر، اقدام به حل مسئله می‌کند. به این ترتیب که با حل مسئله مشابه ساده‌تر، نتیجه آن را به دلیل اشتراک در حکم به مسئله دشوارتر سراست می‌دهد.

۹۸. «دخل و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی که وارد ذهن می‌شود». تعریف چیست؟

- ۲۴) رفتار در نظریه گشتالت - ۲۳) یادگیری در روان‌شناسی رفتارگرا - ۲۲) رفتار در روان‌شناسی - ۲۱) یادگیری در روان‌شناسی رفتارگرا

۹۹. آن جاکه صحبت از اصالت فرد و اصالت جامعه به میان آید و بحث از جامعه به عنوان وجودی مستقل و متفاوت از افراد یا عکس آن مطرح شود، خود را سرگرم یک بحث کرده‌ایم.

(۱) انسان‌شناسی - ۲) جامعه‌شناسی - ۳) فلسفی - ۴) علمی

(سراسری ۹۵)

۱۰۰. اعتقاد به کدام مطلب معتقدان به اصالت فرد را از طرفداران اصالت جامعه جدا می‌کند؟

۱) وجود جامعه وابسته به وجود افراد است.

۲) جامعه همان مجموع افراد اجتماع است.

۳) جامعه تجمع مردمی با هدف‌های مشترک است.

۴) حیثیت اجتماعی وابسته به وجود جامعه است.

۱۰۱. همه گزینه‌ها در مورد انسان و پایگاه طبقاتی او صحیح است به جز

۱) این مبحث ریشه در بینش سیاسی جامعه‌شناسان دارد.

۲) مارکسیسم معتقد است انسان در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه خود شکل می‌گیرد.

۳) آزاد یا مجبور بودن انسان و تابع شرایط پایگاه طبقاتی بودن او یک بحث فلسفی است.

۴) کسانی که به روح و فطرت معتقدند، انسان را دارای اراده‌ای آزاد و با قدرت انتخاب فرهنگ می‌دانند.

۱۰۲. انسان با روح غیرمادی و فطرت الهی خود و با ارزیابی اندیشه‌ها و ارزش‌ها و آرمان‌ها در ترازوی و می‌تواند برای خود فرهنگ خاصی انتخاب کند.
- (۱) منطق - فلسفه
 (۲) فلسفه - دین
 (۳) عقل - دین
 (۴) منطق - عقل
۱۰۳. مارکسیسم حکومت را حق کدام طبقه می‌داند؟
- (۱) اقلیت
 (۲) اکثریت
 (۳) کارفرما
 (۴) کارگر
۱۰۴. برای پاسخ به کدام سؤال باید وارد حوزه معرفتی «فلسفه علم سیاست» شویم؟
- (۱) آیا از سخن کسی که بر خلاف حکم خدا فرمان می‌دهد، باید اطاعت کرد؟ (۲) آیا ارزش‌های اخلاقی نسبی است؟
 (۳) آیا انسان علاوه بر جسم مادی، صاحب یک روح غیرمادی نیز هست؟ (۴) چرا باید اشخاص مجرم مجازات و تنبیه شوند؟
۱۰۵. کوشش اصلی فلسفه علم اخلاق چیست؟
- (۱) تعیین باید و نبایدهای اخلاقی
 (۲) تعریف و تبیین مفاهیم اخلاقی
 (۳) یافتن مبانی عقلانی علم اخلاق
 (۴) پاسخ عقلانی به سؤالات علم اخلاق
۱۰۶. کدام فلسفه اخلاقی مطرود است؟ فلسفه‌ای که
- (۱) در آن خوبی و بدی اموری اعتباری شناخته می‌شود و بر حسب نوعی قرارداد میان مردم یک قبیله یا قوم یا جامعه معتبر می‌گردد.
 (۲) ارزش اخلاقی در آن وابسته به منافع فردی یا عمومی است و ارزش بر اساس منفعت تعریف می‌شود.
 (۳) در آن ریشه بایدها و نبایدهای اخلاقی در ذات انسان و وجودان فرد جستجو شود.
 (۴) همه موارد
۱۰۷. عبارت «با دیگران چنان رفتار کن که بخواهی با تو همان‌طور رفتار کنند.» در حیطه کدام علم است و آیا حاصل قراردادهای انسانی است؟
- (۱) اخلاق - خیر
 (۲) سیاست - خیر
 (۳) اخلاق - بله
 (۴) سیاست - بله
۱۰۸. با توجه به نسبی یا مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی، کدام توضیح با سایر موارد هماهنگ نیست؟
- (۱) فرد در همه‌جا به خوب بودن راستگویی معتقد است.
 (۲) ارزش اخلاقی به منافع فردی یا جمعی وابسته است.
 (۳) انسان فطرتاً راستگو و عدالت‌خواه است.
 (۴) ارزش‌های اخلاقی ریشه در سرش انسان دارد.
۱۰۹. همه توضیحات در رابطه با فلسفه هنر صحیح است به جز
- (۱) عده‌ای به زیبایی‌های موجود در طبیعت توجه دارند و عده‌ای خیر.
 (۲) اگر دو تابلو از زیباترین تابلوهای جهان باشند، باز می‌توان یکی از آن دو را زیبایتر دانست.
 (۳) حدیث «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» از حضرت علی (ع) به عبور از ظواهر اشیا و مشاهده جلوه زیبایی حق در همه اشیا و موجودات دعوت می‌کند.
 (۴) پرسش از حقیقت و ماهیت زیبایی محتاج تبیین عقلانی است و جای طرح آن در فلسفه هنر است.
۱۱۰. در کدام گزینه به ترتیب به مثال‌هایی از فلسفه هنر، فلسفه سیاست، روان‌شناسی و اخلاق اشاره شده است؟
- (۱) فرق یک هنرمند با دیگران در چیست؟ - مردم از چه کسی باید اطاعت کنند؟ - در رویکرد رفتاری به کدام عوامل محیطی بیشتر توجه می‌شود؟ - صداقت فقط لسانی نیست و یکی از فضایل اخلاقی است.
 (۲) اصول رسم الخط نستعلیق چیست؟ - دلیل کماعتار شدن قطعنامه‌های شورای امنیت طی سال‌های اخیر چیست؟ - روان‌شناسی از کی و در کجا به عنوان یک علم مستقل شناخته شد؟ - انجام مکروهات چه نتایجی در درازمدت دارد؟
 (۳) هنرمند چه کار می‌کند که دیگران نمی‌توانند بکنند؟ - حکومت بر مردم حق چه کسانی است؟ - جایگاه نظریات فروید در روان‌شناسی مدرن کجاست؟ - با فرض نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی، این ارزش‌ها تابع نفع فرد است یا نفع جامعه?
 (۴) تاریخچه هنر اسلامی از چه زمانی آغاز می‌شود؟ - چرا مارکسیسم به پرولتاریا مشروعيت می‌دهد؟ - آیا انسان محدود به جسم است یا دارای روح نیز هست؟ - چرا باید خوب و بالاخلاق زیست؟

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۰۷	۱۰۲	۹۷	۹۲
۱۰۸	۱۰۳	۹۸	۹۳
۱۰۹	۱۰۴	۹۹	۹۴
۱۱۰	۱۰۵	۱۰۰	۹۵
	۱۰۶	۱۰۱	۹۶